

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان افغانی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • شماره: ۴۶۲۵ • ۱۲ صفحه
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۲۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۴ مرداد ۱۴۰۲ • ۲۸ محرم ۱۴۴۵ • ۱۵ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۲۵ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۱۴
اذان صبح فردا ۵:۲۴ • طلوع آفتاب ۵:۲۴

# شرق

دیالوگ روز

**انجمن شاعران مرده - پیترو ویر - ۱۹۹۹**

رایبن ویلیامز؛ هر لحظه و هر روز را غنیمت بشمارید؛ چون باور داشته باشید یا نه، تک‌تک ما یک روز دیگر نفس نمی‌کشیم. فراموش نکنید ما شعر نمی‌خوانیم و نمی‌نویسیم زیرا زیباست؛ ما شعر می‌خوانیم و می‌نویسیم زیرا ما اعضای بشر هستیم. نسل بشر بر از شورا است. پزشکی، قانون، تجارت، مهندسی، اینها بخشی از زندگی هستند. کارهایی که برای حفظ زندگی ضروری است. اما شعر، زیبایی، چیزهایی است که ما برای آن زنده می‌مانیم.

# آنها که رفتند، آنها که ماندند



**نسیم قاضی‌زاده**

اخبار مرگ همیشه پررنگ‌تر از اخبار زندگی‌اند. در مرگ اتفاقی است که در زندگی به چشم نمی‌آید. با اینکه بازی باید برعکس باشد اما مرگ چنان پروتان و پررنگ آوار می‌شود که داغش از قلب به زبان می‌آید. در جهان مهجور و محبوب موسیقی ایران، دو هنرمند در هفته گذشته به دیدار مرگ رفتند؛ بانو پروین و محمد اسماعیلی. بانو پروین مرگ فیزیکی را چند روز پیش تجربه کرد اما سال‌ها بود مرگ هنری ناخواسته گریبان‌گیر او شده بود. بانو پروین از چند دهه قبل نامی بود میان ازدست‌رفتنک‌ان که تنها به هنرشان زنده بودند. صدایش، ترانه‌ها و تصنیف‌هایش در میان اهالی موسیقی و آنها‌ها اهل زرمزه‌مکردن ترانه‌های قدیمی بودند. سر زبان بود. اجرای «غوغای ستارگان» به‌تنهایی برای یک عمر ماندگاری او کافی بود. باید تلخ بوده باشد زمانی که او نمی‌توانست بخواند و خوانندگان مرد، تصنیف‌هایش را در هماپوین خرم بازخوانی می‌کردند. باید تلخ بوده باشد زمانی که در آستانه ۴۰سالگی در اوج باشی و ۲۵ سال بعد را در خاموشی بگذرانی. پروین نمثالی بود از شماری از خوانندگان و بازیگران دهه‌های

**ادامه از صفحه اول**

# این دلارهای لعنتی\*

(داستان تخمین حجم دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در همه ادوار تحریم البته داستانی متفاوت و با روایت‌هایی متنوع و اغلب متضاد است. اینکه حجم دارایی‌های بلوکه‌شده ایران در هر دوره چقدر بوده و به‌ویژه اینکه چه مقدار از آنها با هر گشایشی آزاد شده، نیاز به رمزگشایی‌های جدی دارد که از حوصله ما و شما خارج است؛ اما سرشته بگویم که رقم واقعی همواره در غبار ابوهی از اطلاعات و ضداطلاعات و در مه سنگینی از روایات درست و داده‌های نادرست «پنهان» مانده است.)
این فرازونشیب ادامه داشت تا سال ۲۰۱۵، زمانی که جواد ظریف، وزیر خارجه و مذاکره‌کننده ارشد ایران، از بالکن هتل کوبورگ وین -محل انجام مذاکرات منتهی به برجام- برای خبرنگارانی که روند طولانی‌علنی‌ترین مذاکرات مستقیم بین ایران و آمریکا در چهل‌وچند سال اخیر، کم‌کم از نتیجه‌بخش بودن مذاکرات ناامیدشان می‌کرد، دست‌تکان داد و پیشش از آنکه دو وزیر خارجه ایران و آمریکا، در قابی تاریخی، کنار هم بایستند و خبر توافق را بدهند، به تلویح و اشاره گفت که دود سفید سرانجام از اتاق مذاکرات برخاسته (مذاکرات آن‌قدر طولانی و طاقت‌فرسا شده بود و ضرب‌الاجل‌ها آن‌قدر کشی از او پرسیده بود «ایا اصلا ضرب‌الاجل اخیر را به طرف ایرانی اطلاع داده‌اید؟» پاسخ شنیده بود «بله، اما ضرب‌الاجل‌ها برای طرف ایرانی آن اهمیتی را ندارد که برای ما دارد!».)

به هر حال پرمنفعت‌ترین توافق بین‌المللی جمهوری اسلامی به آزادشدن منابع درشتی از دلارا، با اموال بلوکه‌شده منجر شد. این اموال چقدر بوده؟ باز هم دقیق نمی‌دانیم و روایت‌ها هم متفاوت است؛ اما آن‌قدر درشت بوده که رئیس‌جمهور بعدی آمریکا- ترامپ- برجام را یک معامله ۱۵۰ میلیارددلاری به اضافه ۱۰۸ میلیارد دلار پول نقد توصیف کرد و تا پایان زمامداری‌اش بر این ادعا پای فشرده. از ترامپ البته بعید نیست که بیازداغ ماجرا را کمی زیاده‌گردد باشد؛ چراکه جنسیت قبل‌تر ولی‌الله سیف، رئیس کل بانک مرکزی ایران، وجوه بلوکه‌شده ایران را حدود ۳۰ میلیارد دلار برآورد کرده بود و علی‌طیبنیا، وزیر وقت اقتصاد، تصریح کرده بود که عدد ۱۲۰ میلیارددلاری که در رسانه‌ها اعلام می‌شود، صحیح نیست و حدود ۳۵ میلیارد دلار از این دارایی‌ها در شرکت نیکو سرمایه‌گذاری شده و ۳۵ میلیارد دلار هم در چین به‌عنوان وثیقه فاینانس» سپرده شده (این پول

۳۰ و ۴۰ شمسی که در اوج دفن شدند و آنچه را تا به آن لحظه از زندگی‌شان در هنر زیسته بودند، تا آخرین روز عمر در خاطرات زنده کردند. حسرت یک بار دیگر صحنه را دیدن، صدای کف‌زدن تماشاگر را شنیدن، حلقه‌زدن اشک در چشمان از سر شوق، می‌دانید چیست؟ همین‌هاست که مرگ‌ها را خبرساز می‌کند؛ حتی مرگ‌های پیش از موعد را. آنها غریب مردند؛ غریب در وطن خویش، هنرمندانی که دور از حواشی، پول، بیزینس، مارکتینگ و تبلیغات، خالصانه دنبال هنر رفتند، عمرشان را گذاشتند تا حرفه‌شان را به قدر خود تکمیل کنند. آن‌چنان گوش مخاطب برایشان ارج و قرب داشت که جواب ساعت‌ها بیدارخوابی و ساززدن و تلمذکردنشان را می‌داد. محمد اسماعیلی از این دست



رقم را برای سال ۲۰۱۹ معادل ۱۵، برای سال ۲۰۲۰ معادل ۱۳،۸ و برای سال ۲۰۲۱ معادل ۱۷،۷ میلیارد دلار برآورد می‌کرد که محاسبات سرانگشتی دقت آن را مورد تردید قرار می‌دهد) که عمده آن برمی‌گشت به ۱۲ تا ۱۵ میلیارد دلاری که در بانک‌های هند موجود بود و بعدها هند یک فهرست شامل حدود ۵۰۰ قلم از کالا‌های هندی قابل عرضه به ایران ارائه و ایران انتخاب کرد که مطالبات خود را با کدام کالای هندی تهاتر کند. ماند حدود ۱۰ میلیارد دلار طلب ایران از عراق بابت صادرات عمدتا برق و گاز (که ظاهرا بازپرداخت آن با روشی کمابیش مشابه روش بازپرداخت قبلی به‌تازگی پرسروصدا شده و مطالبات ایران از کره هم مورد توافق قرار گرفته) و همین هفت میلیارد معروف طلب ایران از کره جنوبی که دولت ابراهیم رئیسی تا امروز چند بار عودت آن را جشن گرفته است.

برگردیم به آغاز اینن داستان و روایت «افزایش کنترل‌شده تنش» به قصد حل‌وفصل بدون تبعات بخشی از تنش!

زمنه‌منه‌های مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا درباره موضوعاتی «خارج از برجام» در یکی از کشورهای عربی، از مدت‌ها قبل شنیده می‌شد؛ هرچند هوشمندانه خبر چندان‌تی از آن درز نمی‌کرد، چرا هوشمندانه؟ در برخی از بی‌حاشیه‌ترین آنها- که زمانی روزانه قریب به ۱۶۰ هزار بشکه نفت از ایران خریداری می‌کرد، چگونه به کانون تنش‌هایی تبدیل شد که دو سر آن در دو پایتخت جداگانه، در دو قاره جداگانه نشسته بودند، البته داستان دیگری است. فعلا از آن می‌گذریم تا بتوانیم روایت طولانی جنگ تحریم‌ها و توقیف‌ها را به سرانجام برسانیم.

این جنگ و گریز بانکی تا روی کار آمدن ترامپ کمابیش ادامه داشت. با خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال سیاست‌های تحریمی سخت‌گیرانه ترامپ، میزان فروش نفت ایران و درآمدهای ناشی از آن هم در هاله‌ای تیره‌تر از ابهام‌ها فرورفت. قابل درک نبود، عمده درآمد ایران از محل دوزدن تحریم‌ها ناشی می‌شد که طبیعتا هیچ‌کس در ایران تمایلی به افشاشدن آنها نداشت. پول‌های بلوکه‌شده ایران هم عمدتا به درآمدهای ناشی از معاملات قبلی بازمی‌گشت (برخی تبادلات «کنترل‌شده» مثل فروش محدود حامل‌های انرژی به هم‌پیمانان آمریکا در منطقه را استثنا کنید، ایران چیزی در حدود ۳۵ تا ۴۰ میلیارد دلار پول بلوکه‌شده در بانک‌های خارجی داشت (گزارش‌های IMF البته این



♦ تالار برلیان در کاخ گلستان همان جایی است که ۱۱۷ سال قبل مظفرالدین‌شاه مشروطه را خواند؛ اتاقی که حلامرمت شده و از ۱۸ مرداد با نام «اتاق فرمان مشروطه» به روی مردم بازگشایی شده است. عکس:‌هادی زند، ایسنا

**شبکه‌خوانی**

## کودک مهربان

در فیلم‌هایی که از حمله تروریستی به شاهچراغ منتشر شده است، لحظه‌ای بسیار انسانی وجود دارد که کاربران دراین‌باره نوشته‌اند. این صحنه‌ها هنگام حضور تروریست در شاهچراغ به وسیله دوربین‌ها ضبط شده است. یکی از آنها شجاعت یک کودک در حادثه تروریستی شاهچراغ است. این کودک درحالی‌که تنها چند قدم با تروریست فاصله داشت و زمانی که دیگران در حال نجات جان خود بودند، برای نجات یک مرد که روی زمین افتاده، به سوی او می‌دود و کمک می‌کند تا از روی زمین برخیزد. شاید این مرد پدرش باشد، شاید برادرش، شاید هم هیچ آشنایی نداشته باشد؛ اما این شجاعت و نوع‌دوستی او در تصاویر دوربین ضبط می‌شود و در یادها می‌ماند.

یکی از کاربران درباره این کودک نوشته است: «مید ایران آن کودکی است که هنگام

حمله تروریستی به دیگری کمک می‌کند».

یکی دیگر هم می‌نویسد بارها این فیلم را تماشا کردم و هر بار به این کودک لباس سفید

آفرین گفتم.

روی رای‌دهندگان را تا زمان انتخابات جبران کرد. اینجا بود که در ظاهر تنش‌های کنترل‌شده‌ای مثل حمله به مواضع نیروهای تحت نفوذ ایران در سوریه، درست در چندقدمی توافقی که ایران در وانقلسای اقتصادی بسیار به آن مشتاق بود، برای تعویق آن تا زمان مناسب ضروری به نظر می‌رسید.

مذاکرات ایران و آمریکا بر سر آزادی زندانیان دوتابعیتی در قبال آزادی مشروط منابع بلوکه‌شده از زانویه و فوریه آغاز شده بود (البته سستی‌ان آن را ادامه مذاکرات نه‌چندان علنی‌ای می‌دانست که از دو سال قبل در جریان بوده است). مذاکراتی که در آن «برت مک گورک»، رئیس بخش خاورمیانه شورای امنیت ملی آمریکا و یکی از تندترین مقامات دولت فعلیی آمریکا در قبال ایران، روی صندلی ایالات متحده نشسته بود و از سوی ایران هم امیرسعید ایرانی، نماینده فعلی ایران در سازمان ملل و دیپلمات بی‌حاشیه اما معتمد بالای نظام، مذاکره می‌کرد؛ هرچند دست آخر اجازه دادند عکس یادگاری این مذاکرات را علی باقری بگیرد.

نتیجه این مذاکرات برای ایران، آزادی آن هفت میلیارد دلار معروف بلوکه‌شده در کره بود که رئیس کل بانک مرکزی خبر می‌داد که حدود یک میلیارد آن -به دلیل کاهش نرخ برابری واحد پول کره در برابر دلار- دود شد و به هوا رفته و برای آمریکا آزادشدن زندانیان دوتابعیتی. احتمالا برای ارزیابی دستاوردهای «جانبی» این توافق برای طرفین باید کمی منتظر ماند و دید؛ اما شاید بشود پیش‌بینی کرد در ماه‌های آتی آمریکا جاهایی چشم‌هایش را خواهد بستت تا ایران کمی نفت بفروشد و در عوض فعلا سطح غنی‌سازی در ایران افزایش نخواهد داشت یا به‌عنوان نمونه مذاکرات عربستان و اسرائیل با اخلالی «پیش‌بینی‌ناپذیر» مواجه نخواهد شد.

است، این است که باقی‌مانده پول بلوکه‌شده ایران در کره، قرار است به جیب یک کشور عربی ریخته شود تا او از طرف ایران و با تأیید آمریکا، پول کالا‌های اساسی، دارو، غذا و نیازهایی از این دست را برای ما پرداخت کند؛ باقی

♦ **«آنچه گذشته» عنوان این ستون هفتگی است که قرار است از این پس روزهای دوشنبه منتشر شود. نگارنده این ستون بنا دارد هر هفته به سوزه‌ای خبرساز پرداخته و ابعاد مختلف و سوابق آن را برای خوانندگان ارجحند واکاوی کند.**